

The Reflection of the Culture and Literature of Sacred Defense in the Poetry of Women in Khuzistan: A Case Study of Poems by Parvaneh Nejati, Afsaneh Nojomi, and Roghayeh Mafakheri

Hamid Ja'fari Qariyeh Ali^۱
Mohammadmehdi Pourgholamali^۲
Omol Kaeb Amir^۳

Abstract

The Sacred Defense literature reflects pains, injuries and bravery of people in Iran during the ۸-year war. Khuzistan has always been home to great poets who, influenced by war, unconsciously incorporated courageous acts of national fighters into their works to encourage people to partake in battlefields, and to reflect people's lifestyle during the war. The present study investigates the poetry of Parvaneh Nejati, Afsaneh Nojomi, and Roghayeh Mafakheri in terms of language, form and content with an eye to the themes of the Sacred Defense. The aim of this study is to provide insights into the poetry of these female figures by performing a form and content analysis and reflecting emotional responses to the Sacred Defense in their works. Results indicate that Parvaneh Nejati adheres vehemently to the ideology and language of the war and provides a realistic representation of its events, which makes the interpretation of her poems seem acceptable. On the other hand, linguistic stylistics, expressive rhetoric and successful imagery in the poetry of Afsaneh Nojomi give a peculiar identity to her works. Finally, the study shows that Roghayeh Mafakheri emphasizes on resistance against foreign invasion and glorification of national independence as valuable achievements of the Sacred Defense.

Keywords: Sacred Defense, Khuzistan Province, Parvaneh Nejati, Afsaneh Nojomi, Roghayeh Mafakheri

^۱. Associate Professor of Persian Language and Literature, Valiasr University of rafsanzan (Corresponding author) Email: hzer۱۳۴۰@yahoo.com

^۲. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Valiasr University of rafsanzan.

^۳. M.A. Graduate of Persian Language and Literature, Valiasr University of rafsanzan.

Date received: ۱۰. ۰۲. ۲۰۱۸

Date Accepted: ۰۸. ۰۷. ۲۰۱۸

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دهم، شماره نوزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

بازتاب فرهنگ و ادبیات دفاع مقدس در شعر زنان استان خوزستان

(با تکیه بر اشعار: پروانه نجاتی، افسانه نجومی و رقیه مفاخری)

(علمی-پژوهشی)

حمید جعفری قریه علی^۱

محمد مهدی پورغلامعلی^۲

اهل کعب عمیر^۳

چکیده

دفاع مقدس و ادبیات آن، در نگاه شعرا تصویری روشن و گویا از رنج‌ها، آسیب‌ها و رشادت‌های مردم این مرز و بوم داشته‌است. خوزستان از دیرباز مهد توکد شاعران بزرگی بوده است که جمعی از آنان به تبع پیشامدها و تأثیرات جنگ درباره رشادت‌های رزمندگان، تحریک مردم برای حضور در جبهه‌ها، انعکاس احوال مردم آن دوران و درون‌مایه‌های دیگر مرتبط با جنگ اشعاری سروده‌اند. در این پژوهش، شعر سه نفر از شاعران زن خوزستان (پروانه نجاتی، افسانه نجومی و رقیه مفاخری) در سه حوزه زبان، شکل و محتوا با محوریت دفاع مقدس بررسی می‌شود. هدف اصلی این پژوهش، معرفی شعرای شاخص زن استان خوزستان، بررسی و تحلیل شکلی و محتوایی آثار شعرای مورد بحث و بازتاب عاطفی و احساسی دفاع مقدس در شعر آنان است. بر اساس نتایج این پژوهش، شعر پروانه نجاتی جولانگاه ایدئولوژی اوست. پابندی سرسختانه او به ایدئولوژی و نزدیکی زبان شاعر به رخدادهای هشت سال دفاع مقدس، تفسیر شعر او را بر مبنای

^۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولی عصر (عج) * (نویسنده مسئول: hzer1345@yahoo.com)

^۲. استادیار گروه زبان و ادبیات دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

^۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶-۱۱-۲۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷-۰۴-۱۷

واقعیتی که باز می‌نماید، پذیرفتنی می‌کند. انتخاب زبان ویژه، بیان کوبنده و تصویرپردازی موفق نجومی به شعر او در حوزه دفاع مقدس هویت می‌بخشد. می‌توان گفت که مفاخری به لحاظ درون‌مایه شعری، ایستادگی در برابر هجوم دشمنان و حفظ استقلال کشور را از دستاوردهای ارزشمند دفاع مقدس می‌داند.

واژه‌های کلیدی: دفاع مقدس، استان خوزستان، پروانه نجاتی، افسانه نجومی، رقیه مفاخری.

۱- مقدمه

ادبیات جنگ، به تمام آثار ادبی پدید آمده در دوران جنگ اطلاق می‌شود. این ادبیات در ایران، از دوران بعد از انقلاب آغاز می‌شود و به دلیل فضای معنوی حاکم بر جبهه‌های جنگ علیه دشمن آن را «دفاع مقدس» نامیده‌اند. با شروع جنگ تحمیلی، آثار ادبی تحت تأثیر اوضاع کشور ناخودآگاه دارای درون‌مایه‌های دفاع مقدس شد. در خوزستان به دلیل درگیری مستقیم با جنگ، بسیاری از شاعران به موضوع دفاع مقدس پرداخته‌اند.

معرفی چهره‌های شاخص زن ادبیات دفاع مقدس استان خوزستان و تحلیل شکلی و محتوایی آثار آنان و بازتاب عاطفی و احساسی دفاع مقدس در سروده‌های شعری یاد شده از اهداف این پژوهش است. بازگویی هنرمندانه ارزش‌های اصیل انقلابی که اوج آن در شعر دفاع مقدس است، از دیگر اهداف این پژوهش شمرده می‌شود.

پروانه نجاتی متولد ۱۳۴۸ در بهبهان و دانش‌آموخته ادبیات انگلیسی از دانشگاه شیراز است. وی از پرکارترین شاعران شعر انقلاب است. از آثار منتشر شده او می‌توان به کتاب‌های «سوگ سوز برادرانه‌ام»، «داغ و دغدغه»، «زیر پوست شهر»، «خاکستر پروانه»، «لحظات عاشقانه یک زن»، «غزل‌های ماه»، «قناری‌ترین آواز»، «شکستی تر از آنم»، «شرح پرواز»، «بهانه‌ها» و «من سردم است» اشاره کرد.

افسانه نجومی متولد ۱۳۳۹ در اهواز و دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی است. اغلب آثار او در گونه شعر نو فارسی سروده شده است. از آثار او می‌توان کتاب‌های

«فینیقیه زنی بود با کلاه مدرّج»، «سیزیف پرت خنده آدم»، «برای حجامت لب‌هایم اهواز بیاور»، «چند دقیقه رمانس»، «نمای درشت، آنتولوژی شعر زنان استان خوزستان» و «قاف نقد» را نام برد.

رقیه مفاخری، شاعر و عکاس خوزستانی، متولد ۱۳۵۸ است. از او مجموعه شعری با عنوان «حوالی عصرهای بیهوده» به وسیله نشر نیماژ به چاپ رسیده است. گفتنی است هر سه شاعر مورد اشاره، در جشنواره‌ها و جوایز ادبی برگزار شده در سالین اخیر، حایز رتبه و جوایز معتبری شده‌اند.

ادبیات دفاع مقدّس، به شیوه‌های گوناگونی در شعر شاعران زن معاصر بازتاب داشته است. شاعران زن استان خوزستان، گاه با برجسته کردن عناصر اقلیمی و گونه‌های زبانی به بیان مفاهیمی نظیر اسارت، آوارگی، جنگ‌زدگی و امثال آن پرداخته‌اند. شعر این زنان منعکس‌کننده سختی‌ها، شهادت‌ها، اشک‌ها، بغض‌ها و انتظاراتی دوران جنگ و سال‌های پس از صلح است.

پروانه نجاتی، افسانه نجومی و رقیه مفاخری از جمله زنان شاعر خوزستان‌اند که با زبان صریح سروده‌های خود، به بازتاب پایداری مردم در دفاع از مرزهای مقدّس ایران اسلامی توجه ویژه‌ای داشته‌اند. نباید فراموش کرد که «ادبیات دفاع مقدّس از سر پابندی اعتقادی و دل‌نمودگی زیبایی‌شناختی در قالب انواع ادبی به دفاع مقدّس می‌پردازد» (صنعتی، ۱۳۸۹: ۲۷).

با این توضیح در جستار حاضر تلاش می‌شود به چگونگی و شیوه‌های بازتاب عناصر و اندیشه‌های دفاع مقدّس در سروده‌های این شعرا اشاره شود.

تاکنون درباره شعر زنان استان خوزستان با محتوای دفاع مقدّس، پژوهش مستقلی انجام نشده؛ اما در خصوص نقد و بررسی شعر زنان شاعر این استان، کتابی با عنوان «نمای درشت، آنتولوژی شعر زنان خوزستان» (نجومی، ۱۳۸۹) نوشته شده است. نویسنده در این پژوهش به تجزیه و تحلیل ویژگی‌های کلی شعر شعرای زن خوزستان از جمله شعرای مورد پژوهش این جستار پرداخته است. در مورد شعر شاعران زن با موضوع دفاع مقدّس

نیز، پژوهش‌هایی انجام شده است. مژگان ونارجی در پایان‌نامه‌ای با عنوان «سبک‌شناسی شعر شاعران زن از پیروزی انقلاب اسلامی تا دوران دفاع مقدس (طاهره صفارزاده، سپیده کاشانی، فاطمه راکعی)» (۱۳۹۲) به روش تحلیل زبانی و محتوایی، سروده‌های شعرای یاد شده را بررسی کرده است. محمدصادق بصیری و دیگران در مقاله‌ای با عنوان «بررسی برجستگی‌های لفظی و ساختاری شعر دفاع مقدس استان کرمان» (۱۳۹۴) به ویژگی‌های لفظی و ساختاری شعر برخی از شعرای زن استان کرمان از جمله طاهره صفارزاده و فاطمه جهانگرد اشاره کرده‌اند. فاطمه مدرسی و زهرا خجسته نیز در مقاله «جلوه‌های مقاومت و پایداری در اشعار طاهره صفارزاده» (۱۳۹۲) به عمده‌ترین مؤلفه‌های دفاع مقدس در شعر صفارزاده پرداخته‌اند.

از آنجا که فرهنگ ایرانی با فرهنگ عاشورایی گره خورده و دفاع مقدس، حلقه‌ای از حلقه‌های این پیوند اصیل و ایمانی است و با توجه به اینکه خوزستان در تاریخ ایران، نماد ایستادگی در برابر متجاوزان است و بسیاری از شعرای خوزستان به‌ویژه زنان، با احساس مسئولیت به ثبت لحظات و خاطراتی از دفاع دلیرمردان ایرانی پرداخته‌اند، بررسی سروده‌های این شعرا و چگونگی بازتاب فرهنگ دفاع مقدس، از سویی به تقویت روحیه ایمانی و یادآوری خاطرات هشت سال پاسداری از ارزش‌های ملی و مذهبی کمک می‌کند و از سوی دیگر، به شناخت قابلیت‌ها و ظرفیت‌های شعر خوزستان یاری می‌رساند و به‌ویژه، توانمندی شعرای این خطه را در حیطه‌های زبانی و ترکیب‌سازی‌های مناسب و گاه تازه نشان می‌دهد؛ به عبارتی، اهمیت این پژوهش در آن است که تلاش کرده هماهنگی اندیشه و عناصر زبانی را در شعر سه تن از شعرای خوزستان نشان دهد.

در این پژوهش، سروده‌های پروانه نجاتی، افسانه نجومی و رقیه مفاخری در سه حوزه به شرح زیر بررسی می‌شود:

۱- زبان: کاربرد واژه‌ها، ترکیبات و اصطلاحات مربوط به ارزش‌های انقلابی و دفاع مقدس.

۲- ساختار و شکل: قالب و ساخت کلی شعر.

۳- محتوا و اندیشه: شامل بن‌مایه‌های ادبیات پایداری، اسارت، ایثار، شهادت و ...

مبنای گزینش سه زن شاعر در این پژوهش، کتاب «نمای درشت» (آنتولوژی شعر زنان خوزستان) تألیف افسانه نجومی بوده است (۱۳۸۹).

۲- بحث

زنان ایرانی از دیرباز با مشارکت در امور اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و گاه نظامی، دوشادوش مردان برای حفظ وطن و پیشبرد اهداف آن تلاش کرده‌اند. در عرصه‌های ادبی نیز، برخی از آنان با مسئولیت‌شناسی به بازتاب حماسه‌آفرینی ایثارگران و ثبت خاطرات و ارزش‌های دفاع مقدس پرداخته‌اند. مضمون‌هایی که در سروده‌های آنان به کار رفته، بیشتر از اعتقادات مذهبی و تأثیرات باقی‌مانده از دوران انقلاب و دفاع مقدس سرچشمه گرفته‌اند. در بخش‌های زیر با گزینش نمونه‌هایی از اشعار زنان شاعر خوزستان، ویژگی‌های ساختاری و محتوایی سروده‌های آنان با محوریت دفاع مقدس بررسی می‌شود.

۱-۲- بازتاب فرهنگ و ادبیات دفاع مقدس در آثار پروانه نجاتی

گرایش اصلی پروانه نجاتی شعر عاشقانه است؛ اما او را به دلیل شعرگفتن از شهدا «بانوی شعر شهدا» لقب داده‌اند. او از عاشقانه‌ها شروع می‌کند و به عارفانه‌ها می‌رسد. بن‌مایه‌های شعری او از دردها و نیازهای اصیل انسانی سرچشمه می‌گیرد. صراحت لحن و ایمان واثق او به آنچه می‌گوید، شعر این شاعر آیینی را از بازنمود صرف احساسات شاعرانه فراتر برده و همین موضوع، واقعیتی را که در شعرش بازتاب داشته‌است، پذیرفتنی می‌کند:

آن فصل‌های سرد که بی‌دردسر نبود	هجده بهار منتظرش بود و بر ننگشت
رؤیای دخترانه‌ او بیشتر نبود	ای کاش نامه یا خبری، عطر چفیه‌ای
آن روز، دور سفره به جز چشم تر نبود	عکس پدر، مقابل آئینه، شمعدان

(نجاتی، ۱۳۸۷: ۱۴۴)

در آثار این بانوی شاعر معاصر می‌توان به وفور آثار دفاع مقدس را مشاهده کرد؛ به طوری که وی را شاعر جنگ نامیده‌اند. نجاتی علاوه بر این، به طرح مسائل اجتماعی پرداخته و به خوبی مشکلات و دردهای اجتماعی را باز گفته‌است. مجموعه «لحظات عاشقانه یک زن» شامل غزل‌های عاشقانه نجاتی در طول دوران شاعری اوست. از میان این غزل‌ها، در ده غزل به یادآوری دوران جنگ و شهدا پرداخته است.

مجموعه «زیر پوست شهر»، ۲۵ قطعه شعر با موضوعات مختلف را شامل می‌شود که در این میان، دو شعر از لحاظ معنایی با دفاع مقدس و دوران پس از آن در ارتباط است. شاعر در این کتاب به محتوا بیشتر از شکل و قالب شعر اهمیت داده و به خوبی توانسته است با زبانی ملایم و ساده، جایگاه شهدا و درد از دست دادنشان را بازتاب دهد. او در این مجموعه، شعر مردانگی، مهربانی و اخلاص را مختص شهدا و دوران انقلاب و دفاع مقدس می‌داند؛ همچنین تلاش می‌کند که فراموش شدن شهیدان و اتفاقات روزهای جنگ را برای مخاطب خود به تصویر بکشد:

شهر، تاریک و کوجه‌ها سردند
 آن سواران بی‌بدیلی که
 کاش یاران رفته برگردند
 در زوایای زندگی طردند
 شهدا، آن مسافران غریب
 که در اخلاص بی‌هماوردند
 (نجاتی، ۱۳۷۴: ۲۶)

مجموعه شعر «قناری‌ترین آواز» در دو قالب مثنوی و غزل سروده شده و محتوای آن سخن عشق، حرف‌های دل شاعر، بحث در مورد جبهه و اهالی آن و نکوداشت جانبازان و سوگ سرودهایی برای چند شهید است:

عطر خوب دوستی جبهه جبهه می‌وزید
 یک تو سل و کمیل چاره‌ساز کار بود
 لای لای مادران حرف دیو و جن نبود
 اختلاف ننگ بود روزهای پیش از این
 تا کمیت لنگ بود روزهای پیش از این
 قصه تفنگ بود روزهای پیش از این
 (نجاتی، ۱۳۸۱: ۲۲)

۱-۱-۲- زبان

زبان نجاتی ساده و صمیمی است؛ زبانی زنده و پویا که برخاسته از زبان محاوره و به دور از تکلف و تصنع است. سخنانش مخاطب را به تفکر وامی‌دارد و صمیمانه با او ارتباط برقرار می‌کند؛ درواقع، نجاتی روایتگر رخداد‌های دفاع مقدس برای مخاطبانی است که چه بسا هرگز روزهای ایثار و شهادت را درک نکرده‌اند. انتخاب زبان روایی نیز در برخی از سروده‌های او با همین هدف انجام می‌شود:

عاقده دوباره گفت: و کیلم؟... پدر نبود
ای کاش در جهان ره و رسم سفر نبود
گفتند: رفته گل، نه گلی گم، دلش گرفت
یعنی که از اجازة بابا خبر نبود
(نجاتی، ۱۳۸۷: ۱۴۴)

انقلاب با ماهیت اسلامی، رهبری مذهبی و دیدگاه‌های ارزشی موجب شد تا واژه‌ها و اصطلاحات، مضمون‌ها و برداشت‌های عرفانی در آثار ادبی حیات‌دوباره یابند (کافی، ۱۳۸۱: ۳۴). پیوند مفاهیم مذهبی به‌ویژه با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی و اندیشه‌های عرفانی، سبب شد تا ادبیات انقلاب با اصطلاحات و تعابیر عرفانی درآمیزد و پیوندی عمیق پیدا کند. پروانه نجاتی از جمله شاعرانی بود که به‌درستی از زبان عرفان برای بیان اندیشه‌های خود بهره برد:

جبهه بود و جنگ بود روزهای پیش از این
عقل، سرد و منجمد، گوشه‌ای خزیده بود
زندگی قشنگ بود روزهای پیش از این
عشق شوخ و شنگ بود روزهای پیش از این
پاک بود از گناه، دست و بال زندگی
خلق دیو تنگ بود روزهای پیش از این
(نجاتی، ۱۳۸۱: ۲۲)

البته زبان عرفانی - مردانه نجاتی به‌گونه‌ای کلیشه‌ای است و با وجود تلاشش برای برجسته کردن اندیشه‌های اجتماعی و شرح دغدغه‌های خاص ذهنیتی مذهبی نتوانسته است به زبانی نو دست یابد (نجومی، ۱۳۸۹: ۴۴).

۱-۱-۱-۲- واژه‌ها، ترکیبات و اصطلاحات دفاع مقدّس

در شعر نجاتی، واژه‌ها و ترکیبات مربوط به دفاع مقدّس بسامد چشمگیری دارد. کاربرد بسیار این واژه‌ها به شعر او تشخّص سبکی بخشیده است. می‌توان نوع جهان‌بینی شاعر را از کاربرد مکرّر این واژه‌ها و اصطلاحات تشخیص داد؛ به بیانی دیگر، واژه‌ها و ترکیبات مربوط به دفاع مقدّس، تصویری گویا از تعلّق خاطر او به دستاوردهای دفاع مقدّس و ارزش نهادن به رزمندگان، جانبازان و شهداست. به تعدادی از این ترکیبات و واژه‌ها اشاره می‌شود:

جبهه (نجاتی، ۱۳۸۱: ۲۲)، جنگ (همان: ۲۲)، تفنگ (همان: ۲۳)، شهادت (همان: ۳۰)، چفیه‌پوش (همان: ۳۹)، دودهای شیمیایی (همان: ۳۹)، پلاک (همان: ۴۳)، شهیدان (همان: ۶۲)، پاسدار (همان: ۶۳)، سپاه (همان: ۶۶)، والفجر ده (همان: ۶۶)، بسیجی (همان: ۶۶)، کربلای چهار (همان: ۶۸)، پنجمین کربلا (همان: ۶۹)، سنگر نشین (همان: ۸۷)، رزم‌آوران (همان: ۶۲)، گل‌های پرپر (همان: ۶۴)، سردار عشق سنگر (همان: ۶۶)، طعم جبهه (همان: ۳۹).

با توجه به این نظریه که «معنا وجود فیزیکی ندارد؛ بل مورد ناب اندیشه است؛ اما دلالت ما را به واقعیت مرتبط می‌کند، روح زبان حرکت معنای ذهنی به دلالت و مصداق راستین است، گذر از معنا به مصداق است» (احمدی، ۱۳۹۶: ۶۱۶). کارکرد این واژه‌ها در پیوند با معنا اثربخشی خود را نشان می‌دهند. اصرار شاعر بر کاربرد مستمر این واژه‌ها، بیانگر الفت روحی و احساسی او با مفاهیم و اندیشه‌های مقدّس است. در شعر نجاتی، بهره‌گیری از نشانه‌های زبانی در پیوند با محتوای کلام توجه می‌پذیرد و شاعر چندان توجهی به بازی‌های زبانی نشان نمی‌دهد.

۱-۲- ساختار و شکل

بیشتر سروده‌های نجاتی در دو قالب غزل و مثنوی سروده شده‌اند. او از ظرفیت این قالب‌ها برای بیان مفاهیم معنوی و روحانی بهره می‌برد. برخی از غزل‌های این شاعر را می‌توان در حوزه غزل‌های حماسی تعریف کرد؛ غزل‌هایی که قبل از انقلاب هم در ادبیات

فارسی رایج بودند؛ اما بعد از انقلاب با تأثیرپذیری از شور انقلابی مردم و دفاع رزمندگان از مرز و بوم کشور، رنگ و بویی تازه گرفتند. نرمی و لطافت تغزل و فخامت حماسه‌سرایی در غزل‌های انقلاب، مکمل یکدیگرند؛ البته باید توجه داشت که اطلاق عنوان غزل حماسی به این نوع ادبی، نتیجه معادل گرفتن برش‌های گونه‌گون تغزلی و حماسی نیست (باقری و محمدی، ۱۳۷۲: ۲۹).

«غزل، وسیع‌ترین عرصه شعری انقلاب و دفاع مقدس است. از همان سال‌های نخست انقلاب و دفاع مقدس تا به امروز، غزل با تمام ظرفیت‌ها و استعدادهایش در خدمت ارزش‌ها، باورها و عواطف و احساسات نسل انقلاب قرار گرفته است» (سنگری، ۱۳۸۰، ج ۳: ۲۱-۲۲).

سهم من از تو مشت خاکی بود دل پر از غصه چاک چاکی بود
بعد یک انتظار طاقت سوز چفیه کهنه و پلاکی بود
آنچه از سنگر تو آوردند دفتر خاطرات و ساکی بود
گفتم اندکی تأمل کن! بین عقل و دل اصطکاکی بود
(نجاتی، ۱۳۸۳: ۲۲)

مثنوی نیز از قالب‌های شعری مورد توجه شاعر است. قابلیت این نوع ادبی به نجاتی، فرصت داده‌است تا روایتگر داستان جنگ باشد. به نظر می‌رسد واژه‌های او در مثنوی، سربازانی تازه متولد شده‌اند که دو وظیفه مهم بر عهده دارند: ۱- مبارزه با پلیدی و تجاوز - ۲- زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدا، جانبازان و مبارزان:

هلا واژه‌هایم! بسیجی شوید گلوله، سلاح، آرپی‌جی شوید
بیایید با من به میدان مین به گلگون‌ترین قطعه‌های زمین
همان‌جا که بوی جنون جاری است که از عشق دریای خون جاری است
بیاید با من به «بستان» و «شوش» که خاک‌ستم را بگیرم به دوش
به شهری که خرم شد از لاله‌ها شهادت‌گه سیزده ساله‌ها
(نجاتی، ۱۳۸۰)

نجاتی در این شعر با انتخاب لحنی کوبنده و استفاده از واژگان مهیج برای برانگیختن احساسات مخاطب و رسیدن به اهداف ارزشی و ایدئولوژیک مورد نظر خود تلاش کرده- است.

انتخاب وزن‌های عروضی مناسب از جمله (مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن) و (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن) و وزن‌های نو برای بیان ارزش‌های دفاع مقدّس و یادآوری خاطرات جنگ از شگردهای خاصّ نجاتی است:

معصومه گفت از پدری که شهید شد مردی که طرح صفحه یک سر رسید شد
(نجاتی، ۱۳۸۲: ۱۴۰)

سکوت، غرق سکوتی شهید گمنام ندارد آن دل پر خون سر منظره‌ای
(همان: ۱۶۶)

پسرم این بسیجی کوچک دوست دارد بزرگ‌تر باشد
چفیه‌ای و پلاک و تسبیحی دوست دارد که چون پدر باشد
(همان: ۱۳۹)

۳-۱-۲- اندیشه و محتوا

محتوای کلی سروده‌های پروانه نجاتی گویای این است که معنای زندگی تغییر یافته و شاعر در حسرت روزهای گذشته دوران انقلاب و جنگ است. او احساس می‌کند شهدا و یاد و خاطره آنها در هیاهوی زندگی و مظاهر فریبنده آن کم کم در حال فراموشی‌اند؛ در واقع، تمام مقصود و هدف نجاتی از شعر، بازگرداندن فضایل اخلاقی و ایجاد پیوند استوار میان شور انقلابی روزهای نبرد با متجاوزان و حال و هوای امروز است. در بخش زیر، عمده‌ترین موضوعات شعر او در پیوند با دفاع مقدّس بررسی می‌شود:

۱-۳-۱-۲- یادکرد مبارزان در فراموشی ارزش‌ها

طرح بی‌هویتی جامعه، دم‌غنیمت‌شمی، رقابت‌های اقتصادی و فریفته‌شدن به مظاهر زندگی، زمینه‌ساز فراموشی سرزمین، کم‌رنگ شدن حساسیت‌های ملی و گاه فراموشی و تأثیرپذیری از فرهنگ بیگانه است. یکی از دغدغه‌های اساسی پروانه نجاتی، بی‌هویتی نسلی است که برای تمع از زندگی، رنج مردم و پایمردی آنان در حفظ اصالت و ارزش‌های انسانی و ایمانی را از یاد برده‌است.

شاعر با بیانی ساده و صمیمی زبان به شکایت و اعتراض می‌گشاید. او با لحنی معترضانه، اما موزون و آهنگین از شهدا و ارزش‌هایی که برایشان جنگیده‌اند، سخن می‌گوید و حسرت خود را با بیانی عامه‌پسند و روشن بیان می‌کند:

اینک که شهر شعله‌ور بی‌خیالی است	جای برادران غیورم چه خالی است
جای برادران غیوری که بعدش	این شهر در محاصره خشک‌سالی است
بی‌ادعا ز خویش گذشتند و پل شدند	رد قبول صاعقه‌شان این حوالی است
گیسو شلال ^۱ کرده حیا در مسیر باد	اینجا که شرم له شده چون طرح قالی است

(نجاتی، ۱۳۷۴: ۲۵)

۲-۳-۱-۲- نکوداشت اینثارگران

نجاتی از ارزش و احترام جانبازان در میان مردم، سادگی، پاکی، دینداری اهالی جبهه و وفاداریشان به اعتقادات و باورهای دوران انقلاب سخن می‌گوید و درد و رنج و سختی‌های مقاومت در جبهه‌ها را توصیف می‌کند. اندیشه و عاطفه در شعرهای نجاتی در کنار هم در حرکت‌اند و غزل‌هایش گویای عاشقانه‌ها و اندیشه‌های اوست. این طرز تفکر برخاسته از روحیه انقلابی و مکتبی اوست. نجاتی با استفاده به‌جا از اصطلاحات و نمادهای دفاع مقدس در شعر، دوران جنگ را به مخاطب خود یادآوری می‌کند:

سرفه کرد و از کنار من گذشت چفیه‌پوش آشنای این محل

او هنوز سر به‌زیر و ساده است شیرمرد با خدای این محل

می‌توانی از نگاه زرد او خوشه‌های درد را درو کنی

با عبور او چه تازه می‌شود، رنگ و بوی جای‌جای این محل

سرفه می‌کند و طعم جبهه را در هوای کوچه می‌پراکند

بوی دودهای شیمیایی، آه، خاطرات مردهای این محل

گرچه ذره‌ذره آب می‌شود پیش چشم‌های گریه‌ناک من

او هنوز با صداقتی نجیب کار می‌کند برای این محل
(نجاتی، ۱۳۸۳: ۲۵)

۳-۱-۲- عاشورا و دفاع مقدس

بسیاری از حوادث هشت سال دفاع مقدس، صحنه‌های رشادت‌ها و جانبازی‌های عاشورای حسینی را به تصویر می‌کشد. درهم آمیختگی فرهنگ عاشورایی و آرمان‌های انقلابی در سروده‌های شعرای آیینی بازتابی چشمگیر دارد. به پندار نویسندگان این سطور، دل‌سروده‌های پروانه نجاتی که یکی از آیینی‌ترین شعرای خطه خوزستان است، شهادت حسینی، جانبازی عباسی و رسالت زینبی، درهم آمیختگی ارزشی و افلاکی را به درستی نشان می‌دهند:

خیال‌انگیز و رویایی عروج تا خدای تو	هنوز از جبهه می‌آید نسیم آشنای تو
کجا بود ای برادر! کعبه تو، کربلای تو	تو بر سجاده‌ای خونین نماز عاشقی خواندی
سواری نور می‌پاشید روی زخم‌های تو	من آن شب دیدم از اعماق رویاهای شیرینم
دل‌م در خود فرو می‌ریزد، ای خواهر فدای تو!	به این تابوت‌ها تا چشم‌ها را می‌سپارم من

(نجاتی، ۱۳۸۷: ۱۶۴)

۴-۳-۱-۲- متن گفتمانی

صراحت نجاتی در بیان اعتقادات با حمایت مستقیم و بی‌پروا از ارزش‌های انقلابی، سروده‌های او را در شمار «متن‌های گفتمانی» قرار می‌دهد. اساساً متن‌هایی که در آن ایدئولوژی با صراحت و شفافیت بازتاب یافته، از نوع «متن‌های گفتمانی» اند که به‌طور مستقیم نشانه‌ها و محتوای گروه ایدئولوژیک را بیان می‌کنند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۵۰).

باید وضو گرفته بیایم به خواب شهر
تا نشکنم قداست گلپوش کوی تو
در کوچه می‌روند زنانی انارپوش
له کرده زیر پا رطب آرزوی تو
دستان بچه‌ها پُر سنگ و کبوتر است
در کوچه نیست یک دو قدم خلق و خوی تو
آن روز شهر محو هیاهوی دود بود
از یاد کوچه رفته دگرهای وهوی تو
(نجاتی، ۱۳۸۸: ۳۴)

۲-۲- افسانه نجومی

افسانه نجومی به قالب‌های سنتی توجّهی نشان نداده و بیشتر سروده‌های او غیر عروضی (سپید) است. شعر نجومی گاهی در بردارنده استعارات و مفاهیم پیچیده است. گرایش او به مفاهیم فلسفی، ویژگی بارز شعری اوست؛ به همین دلیل در میان سه شاعر مورد بحث، این ویژگی به سروده‌های او تشخّص سبکی بخشیده است؛ البته او در مجموعه شعری «کارون با طعم توت‌فرنگی» زبانی ساده‌تر دارد. این مجموعه شامل سروده‌های کوتاه شاعر است. او نیز در برخی از سروده‌های خود به‌ویژه کوتاه‌سروده‌ها به جنگ تحمیلی اشاره دارد.

۱-۲-۲- زبان

افسانه نجومی در سروده‌های خود به‌ویژه سرودک‌ها^۲ با استفاده از واژه‌های کلیدی و پیامکی با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند؛ به عبارتی، او از مخاطب انتظار دارد بخشی از زبان شعر او باشد؛ به همین دلیل در مواردی از زبان طنزآمیز و کنایی بهره می‌برد. زبان شعر او در همان اندک سروده‌ها، اوضاع اجتماعی دوران جنگ را به‌درستی به تصویر می‌کشد. او در شعرهایش در حوزه دفاع مقدّس از تصاویر درهم‌تنیده و دشوار استفاده نکرده؛ از این‌رو، بیانش صادقانه و بی‌پرواست.

۱-۱-۲-۲- کاربرد واژه‌ها، ترکیبات و اصطلاحات دفاع مقدس

در سروده‌های نجومی، واژه‌هایی نظیر نارنجک (نجومی، ۱۳۹۳: ۳۷)، قمقمه (همان: ۳۷)، خمپاره (همان: ۲۹) و ترکیباتی مانند دو پای بریده (همان: ۴۵)، شهادت باروت (همان: ۳۷)، رگبار گلوله (همان: ۲۹) و بوی خون (همان: ۲۹) دیده می‌شود. نجومی گاهی واژه‌های حسّی و عینی مربوط به دفاع مقدس را با واژه‌های ذهنی ترکیب می‌کند و بدین‌گونه تصویری انتزاعی ایجاد می‌کند که به مفاهیم مورد نظر او وسعت می‌بخشد. ترکیب «شهادت باروت» (همان: ۳۷) و «خنده‌های انتحاری نارنجک» (همان: ۴۵)، نمونه‌ای از این نوع ترکیبات به‌شمار می‌آیند. اساساً «ترکیب‌سازی، مصالح پرشماری را در اختیار سخن‌پرداز قرار می‌دهد. کاربرد این کارکرد خوشایند زبانی، یعنی ترکیب‌سازی را نیز می‌باید از خدمات شعر انقلاب دانست؛ اما اوج این رویکرد در سال‌های اولیه جنگ است» (شیرشاهی، ۱۳۹۰: ۱۶۵).

۲-۲-۲- ساختار و شکل

به لحاظ شکل، بسیاری از سروده‌های نجومی در قالب کوتاه یا طرح است. یکی از ویژگی‌های شعر نجومی ایجاز و گزیده‌گویی است. او توانسته تصویرهایی عینی بسازد که عاطفه و حس مخاطب را تحریک کند. توانایی نجومی در ترکیب اجزای شعر، موجب استحکام محور عمودی شعر او شده است. اشعار او در حوزه دفاع مقدس با زبانی روایی و بدون التزام به اوزان عروضی سروده شده‌اند. می‌توان پنداشت که نجومی با گزینش این زبان و دوری از وزن‌های کلاسیک، فضای مناسب‌تری را برای پرداختن به مسائل و موضوعات اجتماعی و اعتقادی ایجاد کرده است. شعر نجومی به‌گونه‌ای است که اگر سطرها را کنار هم بگذاریم، با نوعی نثر زیبا روبه‌رو می‌شویم؛ اما سراینده با گزینش ترکیباتی درخور، نظیر شیون و بوی خون (همان: ۲۹) و شروع و پایان مناسب، به کلام خود فرم شاعرانه می‌دهد؛ در واقع، زبان ویژه، بیان‌کوبنده و تصویرپردازی موقّع نجومی به شعر او هویت می‌بخشد:

خاک را که جستجو کنی می‌بینی / ویلچرها پر از شهادت باروت‌اند / و روزنامه‌ها با قمقمه و مترسک و نارنجک / در چشم‌داشت آینه / مرده‌اند (همان: ۳۷).

در کل می‌توان گفت که تا حدودی، تأثیر صراحت و شفافیت زبان زنانه در فرم‌دهی شعر او نقشی تأثیرگذار داشته است. بر اساس بررسی‌های انجام شده، زنان از صورت‌های زبانی بهتر یا صحیح‌تر بیشتر بهره می‌برند؛ زیرا آنان نسبت به رفتار زبانی و کاربرد ویژگی‌های زبانی معتبر حساس‌ترند (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۶۹).^۳

۳-۲-۲- اندیشه و محتوا

آثار نجومی در هر دوره شعری، منعکس‌کننده اندیشه او در همان زمان از دوران شاعری است. این موضوع نشان‌دهنده تمایل این شاعر به مکتب‌های جدید است. می‌توان گفت او به مسائل اجتماعی، سیاسی و فلسفی در شعرش توجه دارد. این موضوع در سروده‌هایی هم که شاعر به دفاع مقدس اشاره دارد، بازتاب داشته است؛ در واقع، محتوای شعر او در این زمینه، به گونه‌ای توصیف احوال دو قشر متفاوت جامعه در دوران دفاع مقدس است؛ قشری که به دور از غوغای جنگ و تبعات آن به تحلیل اتفاقات سیاسی و فلسفی می‌پردازند و گروهی که در میدان نبرد در حال جان‌فشانی برای دفاع از وطن خویش‌اند. در شعر زیر، تفاوت دو دیدگاه در زمان رخداد جنگ تحمیلی به زیبایی به تصویر کشیده شده است:

دیروز عصر در کافه ساحلی / آقای لیبرالیسم مرا به یک فنجان چای دعوت کرد / روی میز / روزنامه بود و سیگار و سیاست / و فلسفه / بیرون کافه ساحلی اما / رگبار گلوله و خمپاره بود و / شیون و بوی خون (همان: ۲۹).

نجومی در شعر کوتاه زیر، لحظه انفجار نارنجک را روایت می‌کند؛ اما گویا اندیشه‌ای وسیع‌تر از روایت یک حادثه دارد. او با آوردن واژه‌های «آوار» و «پای بریده»، تلاش دارد تصویری گویا و روشن از جنگ را برای مخاطب خود ترسیم کند:

خنده‌های انتحاری نارنجک / آوار / دو پای بریده (نجومی، ۱۳۹۳: ۴۵).

۳-۲- بررسی سروده‌های رقیه مفاخری

شعر مفاخری شعر نوی بی‌وزن است و شاعر با نوعی کشف و شهود در جست‌وجوی دلالت‌های معنایی تازه است. او در برخی شعرهایش علاقه دارد که از جنگ بگوید. نکته درخور توجه این است که مفاخری مخاطب خود را با یاری کارکردها و امکانات زبان و شگردهای ادبی به برداشت‌های تازه‌ای از متن رهنمون می‌سازد:

پشت خاکریز اندامت / سرباز تنهایی هستم / هر شب خواب مین‌هایی را می‌بینم / که در انتظار
چکمه‌هایت / کاشته می‌شوند / در من (مفاخری، ۱۳۹۲: ۵۷).

۱-۳-۲- زبان

زبان شعر مفاخری در بخش سروده‌های دفاع مقدس، زبانی ساده همراه با تشبیهات تازه است که در برخی از آنها می‌توان تصویری از اوضاع زندگی مردم در زمان جنگ هشت ساله را مشاهده کرد. اگرچه بی‌اعتنایی مفاخری به وزن و قافیه، شعر او را به نثر نزدیک می‌کند و در ابتدا چنین به نظر می‌رسد که سراینده، نثری زیبا را با چینشی ویژه این گونه به تصویر کشیده است؛ اما باید گفت که واژه‌ها در کلام او اعتباری و مرده نیستند؛ از طرف دیگر، تصویرهای پویا هم به کمک زبان او می‌آیند و معانی تازه‌ای خلق می‌کنند. در حوزه زبان، «آشنایی زدایی» در ترکیبات و نحو از ویژگی‌های شعری اوست.

۱-۱-۳-۲- ترکیبات زبانی

در حوزه ادبیات دفاع مقدس، ترکیباتی نظیر آمبولانس مقدس^۴ (مفاخری، ۱۳۹۲: ۶۱)، خاکریز اندام (همان: ۵۷)، غیرت سفید (همان: ۳۲)، آبستن مرده‌های مرده (همان: ۳۲)، سیم‌های خاردار (همان: ۱۶)، رگباری (همان: ۴۷) و خواب مین (همان: ۵۷) در شعر این شاعر دیده می‌شود.

همه چیز از آن آمبولانس مقدس شروع شد / و موهای جوان تو / دستم را گرفته بودی / کسی
تو را ندید / حتی دوربین مدار بسته فروشگاه‌ها / از دیوار رد شدی / کنار یونیفورم سوراخ
سوراخ جا ماندم / زنان شهر برایمان کل می‌زدند (مفاخری، ۱۳۹۲: ۶۱).

از عوامل تشخص دادن به زبان و خارج کردن آن از حالت اعتیادی، ساختن ترکیباتی است که هر یک از اجزای آن با معانی قاموسی در زبان وجود دارند؛ اما ترکیب ممکن است به گونه‌ای باشد که در خواننده ایجاد شگفتی کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۲۸-۲۹). این شیوه برخورد با زبان از ویژگی‌های شعری مفاخری است. ترکیباتی نظیر آمبولانس مقدس (مفاخری، ۱۳۹۲: ۶۱)، خاکریز اندام (همان: ۵۷) و غیرت سفید (همان: ۳۲) از این قبیل‌اند.

۲-۱-۳-۲- آشنایی زدایی در حوزه نحو زبان

در حوزه نحو زبان، شعرا فرصت مناسبی برای تنوع‌جویی دارند؛ زیرا کاربرد نحوی خاص زبان، نقشی تعیین‌کننده در القای معانی جدید دارد. به پندار نویسندگان این جستار، مفاخری از این قابلیت زبانی از سویی برای ادبیت کلام خود بهره برده و از سویی دیگر، اندیشه‌های خود را به مخاطب القا کرده‌است:

پشت خاکریز اندامت / سرباز تنهایی هستم / هر شب خواب مین‌هایی را می‌بینم / که در انتظار
چکمه‌هایت / کاشته می‌شوند / در من (مفاخری، ۱۳۹۲: ۵۷).

انتظار خواننده این است که مین‌هایی که شاعر به آنها اشاره کرده، در زمین کاشته - شوند؛ اما چنانکه مشاهده می‌شود «در وجود شاعر» (= در من) کاشته شده‌اند.

۲-۲-۳- ساختار و شکل

شعر مفاخری میان سپید و آزاد است؛ البته با تعریفی که شفیع کدکنی از این گونه سروده‌های بی‌وزن (وزن عروضی) و قافیه دارد، می‌توان سروده‌های مفاخری را «شعر منثور» خواند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۲۸۱). در هر حال، مفاخری به صورت گزیده و مختصر به روایت پرداخته است و بدون اینکه به موسیقی بیرونی کلام اعتنایی نشان دهد، توانسته است کلام خود را با گزینش واژه‌های مناسب و نوعی تکیه روی واژه‌های خاص شاعرانه سازد:

بعدها از دور نگاه می‌کردیم / شهر / هنوز شهر بود / روی تمام پل‌ها آینده قدم می‌زد / اما ...
/ آه / دیروزمان (مفاخری، ۱۳۹۲: ۳۲-۳۳).

چنانچه ملاحظه می‌شود، حرکت هماهنگ سازه‌های درونی شعر و عناصر روساختی، وحدت و تمامیتی در شعر او ایجاد کرده که به انسجام ساختاری شعر یاری رسانده است؛ در کنار این موضوع، بی‌توجهی به وزن و قافیه، موجب تقویت محور عمودی شعر او شده است. در سرودهٔ بالا، بار اصلی به دوش قیده‌های «بعدها»، «دیروز» و صفت «آینده» است و بقیهٔ واژه‌ها در خدمت این سه واژه به کار گرفته شده‌اند. این ویژگی در شعر زیر نیز دیده می‌شود:

هنوز هم می‌شود ایمان آورد / به پیامبران بی‌کتاب / هنوز تبری بالا می‌رود / تا شکست سنگ /
زمان‌های رفته / آنقدر دور شدند / دور / تاریخ چیزی نیست / جز / تکرار و تکرار / در دهان کف
کردهٔ معلمان (همان: ۷).

دلالت‌های ضمنی و تأثیر عاطفی در کارکرد این قاعده‌های شاعرانه، دورنمایی از اهداف شاعر برای القای معانی مورد نظر را نشان می‌دهد. مفاخری با هدف بیان اندیشهٔ خود شعر می‌گوید و گویا شعرش در بردارندهٔ اندیشه‌های ناگفتهٔ اوست. آوردن واژهٔ پیامبران و تلمیح به آنان، یکی از نمادهای دفاع مقدّس به‌شمار می‌آید. در شعر یاد شده به نظر می‌رسد که شاعر امام خمینی را به پیامبری بی‌کتاب تشبیه کرده که علیه استبداد به پا خاسته و مردم را از ستم حکومت شاهنشاهی نجات داده است.

۳-۲-۳- اندیشه و محتوا

رقیه مفاخری با بیانی روایی به روایت جنگ می‌پردازد و سعی دارد که با گزیده‌گویی، تمام حوادث را برای مخاطب بیان کند. می‌توان این‌گونه پنداشت که انتخاب بیان ساده و خودمانی در سروده‌های او با محتوای دفاع مقدّس و رخدادهای جنگ، شیوهٔ عامدانهٔ او برای ارتباط بهتر با مخاطب است.

۱-۳-۲- دفاع مقدس، آزمون سخت

مفاخری در سروده‌ای با عنوان «روزهای رفته» نبرد با دشمنان را آزمونی سخت می‌داند که سرهای سبز را به دار می‌آویزد و غیرت مردان را برمی‌انگیزد تا شهر (= وطن) همچنان پایدار و سربلند بماند؛ اگرچه نخل‌ها و کپرهای بسیاری بسوزند:

جنگ امتحانی بود / که مدرسه در حسرتش سوخت / نخل‌ها که سوختند / تو خواب بودی / شهر آبتن مرده‌ای مرده می‌شد / تو خواب بودی / ما پشت دلواپسی هر روز / سنگر می‌گرفتیم / غیرت سفید به خط می‌کردیم / و سرهای سبز بود / که اعزام می‌شد آن بالا (مفاخری، ۱۳۹۲: ۳۲-۳۳).

سروده‌های مفاخری برگرفته از اندیشه‌های ژرف اوست که از شعارزدگی صرف فاصله گرفته است؛ در حقیقت، این ویژگی در شعر برخی از شعرای دفاع مقدس دیده می‌شود. «شعارها به گونه‌ای طرح می‌شوند که خواننده کمتر صراحت و روشنی شعار را در آنان احساس می‌کند» (سنگری، ۱۳۸۰، ج ۲: ۵۸).

۲-۳-۲- جان فشانی و حفظ استقلال وطن

مفاخری در شعر زیر با اشاره‌ای کوتاه، جان‌فشانی مردان سرزمین خود را عامل حفظ تمامیت ارضی کشور می‌داند:

امروز / خون / خاک / و مرزهایی که بین دست‌هایمان است / هنوز یک چرت تا پایان فیلم مانده / روبه‌راه‌تر از این مگر می‌شود؟ (همان: ۴۵).

با توجه به آنچه از سروده‌های مفاخری دریافت می‌شود، می‌توان گفت که به لحاظ درون‌مایه شعری در حوزه دفاع مقدس، دو موضوع اساسی مورد توجه او بوده است: ۱- ایستادگی در برابر هجوم دشمنان - ۲- حفظ استقلال کشور.

۳- نتیجه گیری

بر اساس نتایج این پژوهش، پروانه نجاتی به ساخت طبیعی زبان توجه دارد و با کاربرد ترکیبات و اصطلاحات رایج دفاع مقدّس، امکان ارتباط اعتقادی با مخاطب را فراهم می‌کند. برخی از نوآوری‌های او در حوزه غزل معتدل، مدیون ترکیب‌سازی‌های اوست که این ترکیبات نیز، از جهان‌بینی مذهبی و انقلابی و تعلق خاطر او به ارزش‌های دفاع مقدّس سرچشمه می‌گیرد؛ در واقع، سازه‌های زبانی و عناصر متنی، نقشی تعیین‌کننده و معنادار در محتوای سروده‌های نجاتی ایفا می‌کنند. اساس و بن‌مایه این سروده‌ها، اعتقادات و باورهای مذهبی نجاتی است؛ در حقیقت شعر پروانه نجاتی، جولانگاه ایدئولوژی اوست. پایبندی سرسختانه او به ارزش‌های انقلابی و مکتبی و نزدیکی زبان شاعر به رخداد‌های هشت سال دفاع مقدّس، التزام شاعر را در بیان اندیشه‌های اصیل انسانی و همگامی با رخداد‌های جامعه نشان می‌دهد.

انتخاب زبان روشن، بیان کوبنده و تصویرپردازی موقّ نجومی به شعر او در حوزه دفاع مقدّس هویت می‌بخشد. او به مسائل اجتماعی، سیاسی و فلسفی در شعرش توجه دارد. این موضوع در سروده‌هایی هم که شاعر به دفاع مقدّس اشاره می‌کند، دیده می‌شود. محتوای شعر او در این زمینه، به گونه‌ای توصیف احوال دو گروه متفاوت جامعه در دوران دفاع مقدّس است؛ گروهی که به دور از هیاهوی جنگ و تبعات آن به اتّفاقات سیاسی و فلسفی مشغول‌اند و گروهی که برای پاسداشت وطن و حفظ استقلال کشور مبارزه و جان‌فشانی می‌کنند.

رقیه مفاخری در حوزه نحو زبان با گونه‌هایی از آشنایی‌زدایی از سویی برای ادبیّت کلام خود بهره برده و از سویی دیگر، اندیشه‌های خود را به مخاطب القا کرده است. می‌توان گفت که مفاخری به لحاظ درون‌مایه شعری در حوزه دفاع مقدّس، ایستادگی در برابر هجوم دشمنان و حفظ استقلال کشور را از دستاوردهای ارزشمند دفاع مقدّس می‌داند.

یادداشت‌ها

- ۱- گیسو شلال کرده: از ترکیب «گیسو شلال کرده» برای نشان دادن بی‌حجابی و بی‌اعتنایی به ارزش‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس استفاده شده است.
- ۲- سرودک: اشعار کوتاهی که معمولاً از چند سطر فراتر نمی‌رود. بسیاری از شعرای نوپرداز در این‌گونه سروده‌ها طبع‌آزمایی کرده‌اند. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به کتاب کوتاه‌سرایی، تألیف سیروس نوذری، انتشارات ققنوس.
- ۳- قدرت‌الله طاهری معتقد است: «شکل‌گیری زبان در فراسوی آگاهی فردی است و با قصد و نیت مشخص، نه می‌توان زبانی را خلق کرد و نه می‌توان آن را تغییر داد؛ لذا ادعای فمینیست‌ها مبنی بر تغییر نشانه‌های فراوان زبانی و برساختن زبان زنانه، ادعایی باطل و ناممکن است» (طاهری، ۱۳۸۹: ۹۱).
- ۴- آمبولانس مقدس: ترکیب تازه‌ای است که مفاخری برای آمبولانس حامل پیکر مطهر شهدا به‌کار برده است.

فهرست منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۹۶). **ساختار و تأویل متن**. چاپ ۱۹. تهران: نشر مرکز.
- باقری، ساعد؛ محمدی، نیکو. (۱۳۷۲). **شعر امروز**. تهران: الهدی.
- بصیری، محمدصادق؛ کافی، غلامرضا؛ رعیت‌زاده، فاطمه. (۱۳۹۴). «**بررسی برجستگی‌های لفظی و ساختاری شعر دفاع مقدس استان کرمان**». نشریه ادبیات پایداری. س ۷، ش ۱۳، صص ۲۴-۱.
- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۰). **نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس**. ج ۲ و ۳. تهران: پالیزان.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). **موسیقی شعر**. چاپ ۳. تهران: آگاه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۰). **با چراغ و آینه**. تهران: سخن.
- شیرشاهی، افسانه. (۱۳۹۰). **شعر مقاومت و دفاع مقدس**. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- صنعتی، محمدحسین. (۱۳۸۹). **آشنایی با ادبیات دفاع مقدس**. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

- طاهری، قدرت‌الله. (۱۳۸۹). «زبان نوشتار زنانه، واقعیت یا توهم؟». مجله متن پژوهی ادبی. دانشگاه علامه طباطبائی. دوره ۱۳، ش ۴۲، صص ۸۷-۱۰۷.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۱). *سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*. تهران: سخن.
- کافی، غلامرضا. (۱۳۸۱). *دستی بر آتش*. شیراز: نوید.
- مدرّسی، فاطمه؛ خجسته، زهرا. (۱۳۹۲). «*جلوه‌های مقاومت و پایداری در اشعار طاهره صفارزاده*». نشریه ادبیات پایداری. س ۵، ش ۹. صص ۲۶۳-۲۸۲.
- مدرّسی، یحیی. (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مفاخری، رقیه. (۱۳۹۲). *حوالی عصرهای بیهوده*. تهران: انتشارات نیماژ.
- نجاتی، پروانه. (۱۳۸۱). *گزیده ادبیات معاصر*. تهران: کتاب نیستان.
- نجاتی، پروانه. (۱۳۸۳). *لحظات عاشقانه یک زن*. شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- نجاتی، پروانه. (۱۳۸۷). *زیر پوست شهر*. تهران: انتشارات سوره مهر.
- نجاتی، پروانه. (۱۳۸۷). *شکستنی تر از آنم*. تهران: انتشارات تکا.
- نجاتی، پروانه. (۱۳۸۸). *غزل‌های ماه*. تهران: انتشارات تکا.
- نجمی، افسانه. (۱۳۸۹). *نمای درشت (آنتولوژی شعر زنان خوزستان)*. اهواز: انتشارات ترآوا.
- نجمی، افسانه. (۱۳۹۳). *کارون با طعم توت فرنگی*. تهران: نصیرا.
- نجمی، افسانه. (۱۳۹۶). *برای حجامت لب‌هایم اهواز بیاور*. اهواز: انتشارات هشت.
- ونارجی، مژگان. (۱۳۹۲). «*سبک‌شناسی شعر شاعران زن از پیروزی انقلاب اسلامی تا دوران دفاع مقدس (طاهره صفارزاده، سپیده کاشانی، فاطمه راکعی)*». راهنما محمدرضا صرفی. دانشگاه شهید باهنر کرمان.